

متن پرسش

با سلام خدمت استاد گران مایه: لطف بفرمایید و توضیح دهید که از منظر شما چگونه و با رعایت چه ظرافت هایی باید شعار امسال را با نسبت خود با دولت ۱۱ جمع نماییم؟ در حالی که ما می دانیم بسیاری از رویه های دولت چه در عرصه اقتصاد و چه در عرصه بین الملل خیلی با مبانی انقلاب اسلامی سازگاری ندارد. چگونه با چیزی که قلبا و عقلا قبول نداریم همدل شویم؟ و به تبع آن چگونه با رویه های غلط دولت هم زبان شویم؟ حال آنکه در مواردی وظیفه ما انتقاد از دولت است.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: تصور بنده آن است که رهبر معظم انقلاب «حفظه الله» بنا دارند چند قدم تاریخ ملت ما را جلو ببرند و در عین به رسمیت شناختن جریان های فکری معتقد به اصل انقلاب با سلاقی مختلف هرکدام از این جریان های فکری متوجه جایگاه جریان مقابل خود در انقلاب بشوند. امثال بنده انقلاب را طوری تعریف کرده و اهدافی را برای انقلاب مدّ نظر دارد که با تعریفی که امثال آقای دکتر روحانی و دکتر نوبخت و دکتر جهانگیری کرده اند یکسان نیست و از نظر امثال بنده آنچه که این افراد برای انقلاب اسلامی در نظر گرفته اند و سعی می کنند آن را به فعلیت برسانند، انقلاب اسلامی را از شور انقلابی مقابله با استکبار فرو می نشاند و رسالت انقلاب اسلامی را که به نظر بنده «نفی استکبار» است تا حدّی به حاشیه می برد و عملاً انقلاب اسلامی یک نوع هویت سیاسی فکری فرهنگی می شود در کنار فرهنگ غربی و فرهنگ سکولار کشورهای مثل ترکیه. و لذا این آقایان قبول ندارند اهداف انقلاب آن چیزی است که ما برای انقلاب اسلامی تعریف کرده ایم. عمده آن است که ما حرف آقایان را اولاً: بفهمیم و متوجه باشیم این افراد نیز به یک معنا خود را فرزند انقلاب می دانند و مطابق تعریفی که از انقلاب اسلامی دارند تلاش می کنند به انقلاب و مردم خدمت کنند و از این جهت می توان با آن ها همدلی داشت و خدمت آن ها را نادیده نگرفت. ثانیاً: از آن جهت که برای انقلاب اسلامی یک هویت مستقل قائل اند و بنا ندارند هویت اسلامی انقلابی ما را در ذیل غرب قرار دهند - هر چند ما را در کنار آن ها تعریف کرده اند □ می توان با آن ها همزبانی داشت و در عین حال دلایل خود را در ضعف این تعریف نسبت به انقلاب به صورت علمی به مردم عرضه داشت و یکی از موضوعات محافل علمی ما باید نقد علمی و عقلی نگاهی باشد که افراد فوق الذکر بدان معتقدند، در عین فهم اندیشه ای آنان. این آن «آزاداندیشی» مهمی است که ما در این تاریخ بسیار به آن نیاز داریم تا چند قدمی در تاریخ خود جلوتر بیایم. چرا ما اندیشه ای این افراد را جدّی نمی گیریم و بر روی آن فکر نمی کنیم و انگیزه های آن ها را که می خواهند در راستای انقلاب باشند، درک نمی کنیم. با اندک وضعی که از آن ها می بینیم به کلی آن ها را نفی می کنیم. باید جای «نفی» را با «نقد» عوض کرد و خود را مجهز به معارف عالی های نمود که معلوم شود نگاه آقایان فوق الذکر ما را به اهداف مقدس نظام اسلامی نمی رساند تا از این طریق آن ها در نگاه خود بازاندیشی کنند و از آن مهم تر جداً در نوع برخورد خود با منتقدین خود تجدید نظر نمایند. این ها گمان می کنند منتقدین شان هیچ طرحی برای مدیریت نظام ندارند و فکر می کنند تنها روش مقابله با استکبار همین روشی است که آقایان پیشه کرده اند. آری! ما با همدلی و همزبانی نشان می دهیم می توان به افکار همدیگر نظر داشت و لااقل همدیگر را بفهمیم و نه این که حتماً باید مثل هم فکر کنیم و مثل هم عمل نماییم و سال های سال طول می کشد تا این شعور تاریخی در جامعه ای ما نهادینه شود. آری اگر چنین فضایی در تاریخ ما به وجود آید دیگر نقد دیدگاه ها به میان می آید به جای نقد اشخاص. در آن فضا ما می توانیم دیدگاه دولت آقای روحانی را که در فضای امیدواری به فرهنگ غربی، نقد نماییم و آرام آرام جامعه ای خود را به این غنای فرهنگی برسانیم که برای ادامه ی حیات انقلاب اسلامی باید آزاد از آنچه که غرب برای بشر پیشنهاد می کند تصمیم بگیرد و معنای همدلی و همزبانی برای ایجاد چنین فضایی است که اولاً بفهمیم انگیزه ای دولت در رابطه با تعامل با غرب به چه معنا است و چرا تصور می کند ما مجبوریم برای ادامه ی انقلاب، غرب را نیز در نظر بگیریم؟ و ثانیاً با انتقادهای دلسوزانه مردم جریانی که تصور می کند دنیای مدرن دارای اصالت و آینده است، به امیدواری نسبت به آینده ی انقلاب توحیدی خود معطوف داریم و با همدلی و همزبانی سعی کنیم خطر دوقطبی شدن بین نیروهای وفادار به انقلاب را از سر انقلاب رد نماییم کاری که مقام معظم رهبری با

تذکرات دلسوزانه پيشه کرده‌اند. موفق باشيد